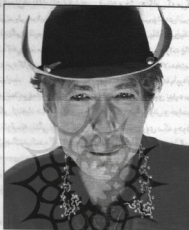


نبوغ باب دیلن

by

Jonathan Lethem

گفت‌وگویی جانانان لثم با باب دیلن
به مناسبت انتشار آلبوم «روزگار مدرن»



ترجمه شروین شهامی پور

Rolling Stone - August 2006

همعین صداقت که بازادوکس دستیابی به
Modern Times موسیقی ویکمن آلبوم
استودیویی‌اش را بنا می‌کند. آیا این روزگار مدرن
ماست یا این‌که رویایی باستانی و سینمایی صامت،
یا فوگی سیاه و سفید است؟

روزگار مدرن؛ مثل Love & Theft و
out of mind (دو آلبوم قبلی دیلن) انگار که
دنیایی پژمرده را از ورای منشور قابی که زخمی و
دنیوی است ولی قطعاً پژمرده نیست، بررسی
می‌کند. ششست بودم و هنر عشق را مطالعه
می‌کردم / به نظر من یک دستکش اندازه این

شاداب و پر انرژی است و منتظر فرصتی است که
مرا بخنداند و خودش هم بخندد. حالت چهره دیلن
انگار خیره و ذریه‌دارتده تمام شخصیت‌هایی او در
دوران‌های مختلف است. مردی شصت و پنج ساله
که نوزده ساله‌ای درونش جست‌وجوی می‌کند. بالاتر
از همه ملین صدایش است که به نظر می‌رسد در
زمان‌های مختلف مثل کالیدوسکوپ تغییر شکل
می‌دهد. زمانی واغواغ آدمی منجلی یا رنجش‌ات
نیشدار پت توپرستی تسخیر شده، و زمانی صدای
اغواگر سنبول جنسی دهه هفتاد، بعد دوباره
صدای موقر سیاستمداری بلندپایه.

من خیلی دنبال طالع‌بینی نیستم که به من بگوید
چه اتفاقی قراره بیفته فقط از این‌جا به آن‌جا
حرکت می‌کنم، این به آن ختم می‌شود این صدا
آشناس؟ من این‌جا در سوئیت هتل ساحلی در
سانتامونیکا نشستام و در حالی‌که باب دیلن
روبرویم مقابل ضبط‌ت قرار گرفته و سعی
می‌کند به بهترین شکل به سئوال‌اتم جواب بدهد.
سببی حلقه‌های آناپاس و شیرینی‌های خاک‌گندنی
را ندیده می‌گیرم.
مردی که رویه‌رویم نشسته در صدای‌اش مدام
تکان می‌خورد، بی قرار نیست ولی در لحظه بسیار

را در Thunder on The Mountain - قطعه پسر جنس و جوش با سازی که قبلاً یک میلیون دلار شنیده ایم ولی به طریقی جادویی قطعی جدید از دین می شنویم وقتی به آلبوم گوش می دهیم چیزی که متوجه می شویم این است که از سه آلبوم اخیر در رئالسنس دین قرار داریم اگر با Binging all back home شروع کنیم دین به دند و خیال امتیازینی خود جملاتی گولجی بانگویی از الکترونیک بلوز و راک در اول آلبوم پیشانده است. درخشش موسیقی این سه آلبوم روی دانش بلوز باشد، دانشی که تریگرکنده این وضعیت است که سوز آلبوم و نوازندگانش از هر کمال گرایسی که سلسله فرستند آن ها به ندرت خود را محدود به مرزهای سنتی می کنند بلکه قصه خوانی هذ ستمانی روحانی، بالادعای عاشقانه و... را هم به یک می بندد دین به ما خوردگی از آسار اصلی زانگی فرهنگی امریکایی پیشکش می کند برای جملاتی مثلا به فراموشی، این به اندازه تمام گزاهای دهه شصتاش مغز بارکن است با هر آلبوم سوزانش سقار بر دین با نگرانش طبیعی تر می شود.

او چه گزینه این توانایی را انتخاب می کند؟ به من می گوید: «این آلبوم را بدون توجه به این که در دنیا چه اتفاقی می افتد ساختیم، این آهنگها را اصلاً در حالتی بی فکر نوشتم، بلکه بیشتر تر در وضعیتی هیپنوتیک و خشمه مانند من این طور حس می کنی؟ چرا احساس ام این طوریست؟ و این کدام من است که این طور حس می کند؟ نمی توانم بگویم ولی این را می دانم که این آهنگها در ژان من است نمی توانستم جلوی نیروی آمنتشان را بگیرم، اما به این معنی نیست که روزگار معین و یا دین از زمان حاضر غافل است. آلبوم انشائی به وضایعی مثل ۱۱ سپتامبر و توغان کاترینا دارد. پسر من دین در فضای بیش از راک - بلوز، رنکاب، راکبلی - نشان از آدمی نوستالژیک دارد اما دین در صاعقه در کوه از یک خواننده مشخص معاصر نام می برد، به Alicia Keys فکر می کردم نمی توانستم جلوی گرمه رو بگیرم / وقتی او نوی آشیخخانه جهنم به دنیا می اومد من با این موز زندگی می کردم، وقتی از دین پرسیدم که کیز چه کار کرده که توانسته وارد معبد شما شده تنها ریزخندی به سلوام زد و گفت: «یادم می آید که

توی مراسم گرمی دیدمش فکر کنم با هم توی برنامه بودیم. قبلاً اصلاً ندیده بودمش. اما به خودم گفتو تو این دختر هیچ چیزی نیست که دوست نداشته باشی»

بیشتر از آنکیز شمار. دین ترجمی می دهد به قطعات به عنوان موسیقی دستماز بپر داریم و ساخت آن ها را شرح دهد با برگشت به Planet 1974 Street Legal & Love 2001 The Love & 1978 Street Legal. نقرت دین نسبت به آلبوم استودیو مشهود است به سادگی می گوید: «آلبوم ضبط کردن رو دوست ندارم این کار رو با اکراد می کنه، آلبوم جدیدش را با گروه تورش ضبط کرده و خوش تهیه کننده است. احساس کردم دیگر نمی خواهم آلبوم بیش از حد produced بشه. حس کردم به هرحال همیشه خودم آلبومها را تهیه کردم، منتهی همیشه یک نفر را سر راهم داشته ام به نظرم هیچکس به غیر از خودم نمی دونه که می خوام چه طور صدا بدم، هیچکس به جز خود نمی دونه از نوازندها چی می خوام، هیچکس به جز خودم نمی تونه به نوازندها بگه کجا اشتباه می کنند، هیچکس به جز خودم نمی تونه نوازندهای رو پیدا کنه که این توفه برتزه ولی داره نمی زنه می تونه تو خواب تو این کارها رو بکنه».

مانند همیشه. دین در حال جریخیدن است، توسط آن چه نیست، آن چه نمی خواهد، دوست ندارد و احتیاج ندارد، روشن می کند که کیست، مفهوم را از طریق روند حذف به دست می آورد. این استراتژی بلاغی برمی گردد به *it ain't me baby* و *I really want to do it* و هنوز هم این روند ایثار است. دین بهترین گروهی است که تا حالا گوش بوم، فانتام، تک تکشون، وقتی با یکمیری آدم در عرض یک سال صدبار اجرا می کنی، می فهمی این چه کارهایی می تونی بکنی و چه کارهایی نمی تونی، تر چه چیزی خوب هستند. زمان زیادی طول می کشد که یک گروه از نوازندهای مستقل پیدا کنی. اکثر گروهها گنگ هستند چه گروه مثال باشد، چه پاپ راک، هرچه،

اون شخصیت داروستمای رو حس می کنی ولی برای ماها که قبل تر بوده ایم، گنگها ارذل و اوباش بودند چیزی نبود که کسی آرزوش رو داشته باشه. در این آلبوم لازم نبود به کسی درس بدم حال این گروه رو دارم، قادرند هر چیزی رو شلاقی آماده

کنند، حتی من رو هم شگفت زده می کنند، آهنگ صدا و مکث و وقفه دین کیفیت یک برخوانی فی البداهه را دارد، منلو از شکل های هموزن درونی، آن قدر که وقتی توار مساحبه را پیاده می کردم متوجه شدم که دارم متن را به صورت شعر می نویسم.

می دانستم که این بار بیهوده نیست چیزی بنویسم درباره عشق و آن چه فکر کردم ام بشم و بعد به استودیو رفتن و یا مشت و لگد به جاش افتادن و ترقی ترق راه انداختن و یا چیز نامربوطی بیرون آمدن که هیچ روزناسی نداشته، با این، بیدار و هشدار شدم احساس آزادی کردم که هر کاری می خواهم، بکنم.

اما بردن گروه رویایی اش به استودیو تنها نبمی از درگیری بود. «آلبومی که من می شنیدم و هنوز عاشقش هستم، نمی تونی چیزی ضبط کنی که اون طور صدا بدهد، قضیه این است که دین کاملاً مطمئن باشد که کارهای جدید را به استودیو ببرد و معامله با شیطان کردن ارزش اش را داشته باشد می گوید: «براین ویلسن، تمام کارهاش را با

یک *track* - ۴ ضبط کرد اما امروز نمی تونی با یک *track* - 100 این رو بسازی. همه مون آلبومهایی رو که روی گرامافون بخش می شن دوست داریم، اما بگذارید باهاش روبه رو بشیم، اون روزها معمولاً هم شد. بهترین کاری رو که قادر باشی می کنی، با او تکنولوژی به هر نحوی که می تونی می جنگی ولی نمی دونم کسی تونسته در بیست سال گذشته یک صدای آپرود ضبط کنه. به این شیطانی مدرن گوش می کنی، مزرخران، کلی صد و صد دور برشونه هیچ هدفی ندارد، نه *vocal* نه هیچ چیز خیلی ایستاست، حتی همین آلبوم وقتی ضبطاش می کردیم تو استودیو خیلی بهتر صدا می دادی سی دی ها کوچک، مقام و منزلت نازن، یاد می آد وقتی آدهای Napster بلند شده بودند که آفا همه دارن موسیقی مجانی گوش می کنن، به خودم گفتو: «خب، چرا که نه؟ به هرحال هیچ ارزشی

ندارن. □